



## گریستم ...

شکست را گریستم ، تبر را گریستم  
 ز شاخ شاخ جنگل ، خطر را گریستم  
 وقتی دار بستند ، سپیدار و کاج را  
 نماد شرار و شرر را ، گریستم  
 وقتی زخم زدند به ریشه ها ، در بیشه ها  
 من تمامیت خون جگر را ، گریستم  
 در سرزمین بی بهار و بی پرند  
 مرگ صدا ، زیبایی و هنر را گریستم  
 برمیقات مستدام خون و خاکستر  
 دود عمر سوخته پُر ضرر را گریستم  
 بر مرگ جلوه های سبز جنگلزار  
 لحظه های پُر درد ، بی اثر را گریستم  
 حکایتی زگریه (ناتور) بخاطر است  
 با او یکجا ، بلا و بدتر را گریستم